گزارش

بازی میدان و مذاکره

ادامه از صفحه ۲

در ادامه این تحلیل، یکی از محورهای مهم، بحث چارچوب مذاکرات و نحوه پیشبرد پرونده‌هاست. چون در روزهای اخیر، این خط تحلیلی تقویت شده که آمریکا ممکن است از اصرار بر تحمیل هم‌زمان چهار شرط حداکثری عقب‌نشینی کرده و به پیشنهاد ترکیه برای پیشبرد مرحله‌به‌مرحله مذاکرات، با آغاز از پرونده هسته‌ای، نزدیک شده باشد. با این حال، ابوالفتح دراین‌باره صراحتا می‌گوید که «اطلاعی قطعی از روند مدنظر مذاکرات احتمالی و چارچوب تعیین‌شده ندارد». به گفته او، «این‌گونه جزئیات در اختیار کسانی است که مستقیما به روند مذاکرات نزدیک‌اند و نمی‌توان با اطمینان گفت که واشنگتن به دنبال مدل «فاز به فاز» مدنظر باراک اوباماست یا همچنان همان رویکرد یکجای مورد تأکید جمهوری‌خواهان را دنبال می‌کند».

در پاسخ به این سؤال که آیا ترامپ ممکن است در شروط خود انعطاف نشان دهد، ابوالفتح به تجربه گذشته اشاره می‌کند و از نگاه او، «اگر محاسبه آمریکا این باشد که صرفا ایران باید در همه موضوعات عقب‌نشینی کند و واشنگتن هیچ نرمشی از خود نشان ندهد، مسیر به طور طبیعی به سمت جنگ خواهد رفت. اما اگر هدف رسیدن به یک توافق، حتی یک توافق بینابینی باشد، ناگزیر آمریکا نیز باید انعطاف‌هایی را بپذیرد». این مدرس دانشگاه یادآوری می‌کند که «ایالات متحده یک بار مسیر اقدام نظامی را در جنگ ۱۲روزه آزموده و خود ترامپ زمانی مدعی بود که تأسیسات هسته‌ای ایران را به طور کامل نابود کرده است؛ ادعایی که اکنون حتی از سوی خود او نیز با تردید و عقب‌نشینی مواجه شده است». از این منظر است که ابوالفتح استدلال می‌کند که «تکرار مسیری که یک بار نتیجه نداده، منطقی به نظر نمی‌رسد؛ هرچند درباره ترامپ هیچ گزینه‌ای را نمی‌توان از پیش کنار گذاشت».

کارشناش حوزه آمریکا همچنین درباره تحلیل تغییر لحن ترامپ هشدار می‌دهد. چون به باور او، «رئیس‌جمهور آمریکا فردی است که می‌تواند در عرض چند ساعت، مواضعی کاملا متضاد اتخاذ کند؛ از اعلام قریب‌الوقوع بودن جنگ تا تأکید بر موفقیت‌داشتن یا موفقیت‌نداشتن عملیات نظامی و از آن سو وعده توافق نزدیک». به‌همین‌دلیل او توصیه می‌کند که «به جای تمرکز بر اظهارات متناقض ترامپ، باید رفتار کلی دولت ایالات متحده را مبنای تحلیل قرار داد». در این چارچوب، ابوالفتح معتقد است که «آمریکا به‌تدریج از نقطه‌ای که جنگ حتمی به نظر می‌رسید، فاصله گرفته و به سمت افزایش احتمال توافق حرکت کرده است؛ هرچند جنگ همچنان به طور کامل منتفی نیست». در بخش پایانی تحلیل، این تحلیلگر به تجربه‌های پیشین و امکان تکرار اقدام نظامی حتی در جریان مذاکرات اشاره می‌کند و به باور او، «استفاده هم‌زمان از دیپلماسی و جنگ برای ترامپ نه‌تنها در تضاد با یکدیگر نیستند، بلکه واجد شرایطی برای کسب امتیازات حداکثری است»، پس او تأکید می‌کند که «تهران هم باید گزینه استفاده هم‌زمان از دیپلماسی و میدان را داشته باشد. ازاین‌رو حرکت در مسیر مذاکره به معنای غفلت از آمادگی‌های دفاعی نیست و برعکس، حفظ بالاترین سطح آمادگی دفاعی می‌تواند پشتوانه دیپلماسی باشد». از نگاه ابوالفتح، تصور «یا دیپلماسی یا میدان» یک دوگانه نادرست است؛ چراکه در شرایط پرابهام کنونی، هم تلاش برای رسیدن به توافق ضروری است و هم حفظ هوشیاری کامل در برابر سناریوهای پرخطر.

اطلاعیه دفتر رئیس‌جمهور درباره حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴
انتشار مشخصات ۲۹۸۶ نفر از جان‌باختگان حوادث اخیر

دفتر رئیس‌جمهور در اطلاعیه‌ای براساس سیاست شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و به دستور پزشکیان، با تجمیع اسامی که توسط پزشکی قانونی کشور تهیه و با سامانه سازمان ثبت احوال تطبیق داده شده است، مشخصات دوهزارو ۹۸۶ نفر از جان‌باختگان حوادث اخیر را منتشر کرد. متن اطلاعیه دفتر رئیس‌جمهور درباره حوادث اخیر به شرح زیر است: «ایران عزیزمان این روزها در کنار و همدرد خانواده‌هایی است که در سوگ سنگین جان‌باختن عزیزان خود به سر می‌برند. وظیفه اخلاقی و انسانی مردم، دولت و حاکمیت توجه مسئولانه به رنج مضاعف بازماندگان همه جان‌باختگان است. همه قربانیان این حوادث و ناآرامی‌های اخیر فرزندان این سرزمین بوده‌اند و هیچ داغدیده‌ای نباید در سکوت و بی‌پناهی رها شود. برخلاف دشمنان و بدخواهان تاریخی این سرزمین که با جان افراد چونان یک عدد و رقم معامله می‌کنند و با افزودن بر آن سعی بر انتفاع سیاسی خود دارند، از منظر دولت جمهوری اسلامی ایران جان‌باختگان این حوادث تلخ صرفا یک عدد نیستند و هرکدام از این قربانیان یک جامعه و دنیایی از پیوندها بوده‌اند. هر ایرانی برای ما به‌مثابه یک ایران است و رئیس‌جمهور بنا بر وظیفه اخلاقی و عهد و پیمانی که با ملت بسته است خود را پاسدار حقوق آنان می‌داند. اینک سوگمندانه به اطلاع ملت شریف ایران می‌رساند آمار کل جان‌باختگان حوادث اخیر چنان که پیش از این نیز اطلاع‌رسانی شده بود، سه‌هزارو ۱۱۷ نفر است. براساس سیاست شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی و به دستور رئیس محترم جمهور، با تجمیع اسامی که توسط پزشکی قانونی کشور تهیه و با سامانه سازمان ثبت احوال تطبیق داده شده است، فهرست مشخصات دوهزارو ۹۸۶ نفر به پیوست منتشر می‌شود. علت اختلاف ۱۳۱ نفر، با آمار اعلام‌شده قبلی مربوط به مجهول‌الهویه‌بودن تعدادی افراد و مغایرت در ثبت شناسه ملی تعدادی از جان‌باختگان با سامانه ثبت احوال بوده است که به محض اصلاح در فهرست تکمیلی ارائه خواهد شد. فهرست پیوست شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر و شش رقم آخر کدملی جان‌باختگان است. با درک نگرانی و دغدغه‌های هم‌وطنان عزیز، سامانه‌ای طراحی شده است که طی ۴۸ ساعت آینده نشانی آن به اطلاع عموم رسانده خواهد شد تا بدون پیچیده‌سازی اداری و با رعایت شأن و حریم خصوصی هرگونه اطلاعات و ادعای جدید مورد بررسی و راستی‌آزمایی قرار گرفته و به همه ابهامات احتمالی پاسخ صحیح و متقن ارائه شود. امیدواریم در سایه وحدت و با همدردی و تلاش برای رسیدگی به آسیب‌دیدگان و قربانیان حوادث ناگوار اخیر شاهد بازگشت آرامش هرچه بیشتر و تقویت همبستگی ملی در ایران عزیزمان باشیم. ان‌شاءالله». اسامی جان‌باختگان در سایت «شرق» قابل رؤیت است.

نگاهی به آینده ایران و کشورهای عربی در صورت آغاز جنگ در گفت‌وگو با محمد ایرانی:

جنگ؛ نقطه ابهام در مناسبات ایران و جهان عرب

عبدالرحمن فتح‌الهی: اگرچه از اواخر هفته گذشته و با ورود به هفته جدید، نشانه‌هایی از تحرک دیپلماتیک و تلاش برای مهار تنش‌ها میان تهران و واشنگتن پررنگ‌تر و گزینه گفت‌وگو نسبت به گذشته اندکی تقویت شده است، اما واقعیت میدانی و سیاسی نشان می‌دهد گزینه جنگ نه‌تنها از دستور کار خارج نشده، بلکه همچنان با جدیت تمام در محاسبات طرفین حضور دارد. سخنان روز یکشنبه رهبری این واقعیت را به‌روشنی بازتاب می‌دهد؛ آنجا که تصریح کرد: «ما شروع‌کننده نیستیم و نمی‌خواهیم به کشوری حمله کنیم، اما ملت ایران در مقابل کسی که حمله و اذیت کند، مشت محکمی به او خواهد زد. البته آمریکایی‌ها بدانند اگر جنگی راه بیندازند، این‌بار جنگ منطقه‌ای خواهد بود». این گزاره، در عین تأکید بر پرهیز از آغاز درگیری، حامل هشداری صریح نسبت به دامنه و پیامدهای هرگونه ماجراجویی نظامی است. بر این اساس، برای تهران تقویت مسیر دیپلماسی به‌معنای کنارگذاشتن سناریوی جنگ نیست. هم‌زمان با تلاش برای فعال نگه‌داشتن کانال‌های سیاسی و میانجیگرانه، فرض وقوع درگیری و آمادگی برای آن همچنان بخشی از محاسبات راهبردی باقی مانده است. از همین زاویه، احتمال بروز تنش مستقیم میان ایران و آمریکا و سرایت آن به جغرافیای کشورهای عربی منطقه، سناریویی کاملا جدی تلقی می‌شود. پرسش محوری اما اینجاست که اگر در نهایت گزینه جنگ فعال شود و ایران در پاسخ، پایگاه‌ها و منافع آمریکا در کشورهای عربی را هدف قرار دهد، آیا می‌توان چنین وضعیتی را همچون حمله به پایگاه عین‌الاسد در عراق یا العدید در قطر مدیریت و مهار کرد؟ یا آن‌گونه که برخی ناظران هشدار می‌دهند، این‌بار پیامدها به‌مراتب عمیق‌تر خواهد بود و روابط ایران با جهان عرب به نقطه‌ای مشابه روابط کنونی با اروپا، یعنی انسداد، بی‌اعتمادی مزمن و شرایطی نزدیک به برگشت‌ناپذیری، سوق داده می‌شود؟ خط اصلی دقیقا در همین‌جاست؛ جایی که یک درگیری کنترل‌نشده می‌تواند نه‌تنها به شکل‌گیری اجماع منطقه‌ای علیه ایران بینجامد، بلکه هزینه‌های امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک بلندمدتی را تحمیل کند که حتی پایان جنگ نیز لزوما به معنای پایان آثار آن نخواهد بود. از این رو، در کنار امید محتاطانه به دیپلماسی، هشدار نسبت به پیامدهای یک لغزش راهبردی بیش از هر زمان دیگری ضروری است. برای تحلیل دقیق‌تر این موضوع به گفت‌وگویی با محمد ایرانی، سفیر اسبق ایران در اردن، کویت و لبنان نشسته‌ایم تا ارزیابی او درباره معادلات ایران و کشورهای عربی در صورت آغاز جنگ را داشته باشیم که در ادامه متن آن را از نظر می‌گذرانید.

●●●

جناب ایرانی، این روزها زمزمه مذاکره و چارچوب توافق بین تهران و واشنگتن بیشتر از قبل به گوش می‌رسد، اما همچنان گزینه جنگ به شکل جدی مطرح است. لذا در گفت‌وگو با شما روی آثار و تبعات جنگ احتمالی بر مناسبات ایران و کشورهای عربی منطقه تمرکز می‌کنیم. در این راستا و طی یک گزاره بدبینانه، برخی معتقدند نگرانی جدی نسبت به گسترش جنگ به خارج از مرزهای ایران و حتی کشیده‌شدن آن به خاک کشورهای منطقه وجود دارد و اگر این سناریو محقق شود، ایران با بحرانی بی‌سابقه در روابط خود با کشورهای عربی مواجه خواهد شد؛ بحرانی شبیه آنچه در روابط تهران با اروپا رخ داد. آیا جمهوری اسلامی حاضر است چنین ریسکی را بپذیرد؟

ببینید، ما باید روشن کنیم الان درباره چه چیزی گفت‌وگو می‌کنیم. ما داریم درباره جنگ حرف می‌زنیم. لذا در جنگ چیز خوش‌بینانه‌ای وجود ندارد؛ نه برای ایران، نه برای آمریکا و نه برای کل منطقه و به‌ویژه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس. ضمنا باید روشن کنیم که اکنون چه کسی روی گزینه جنگ اصرار دارد؟ آیا ایران به دنبال جنگ است یا آمریکا؟

اما نحوه و شدت پاسخ تهران، مناسبات منطقه‌ای ما را متحول می‌کند؛ غیر از این است؟

بله این هست. به همین دلیل تأکید دارم ما باید روشن کنیم روی گزینه جنگ حرف می‌زنیم. ضمنا ایران به دنبال جنگ نیست. نباید طوری تحلیل کنیم که گویی ایران عامدانه و آگاهانه خواستار آغاز جنگ و تعدی به خاک همسایگان عربی حاشیه خلیج فارس است. ایران به دنبال دفاع است، به دنبال موازنه است. از طرف دیگر باید روشن کنیم که تجربه و رفتار قبلی جمهوری اسلامی ایران به‌روشنی نشان می‌دهد تمایل اصلی تهران، باز نگه‌داشتن مسیر دیپلماسی و گفت‌وگو است. تقویت دیپلماسی همسایگان است و آنچه در مواضع رسمی مقامات، به‌ویژه وزارت امور خارجه دیده می‌شود، تأکید بر عدم عبور از خطوطی است که می‌تواند مسیر دیپلماسی را مسدود کند؛ چه در سطح منطقه‌ای و چه در تعامل با ایالات متحده. البته این به معنای ورود به مذاکرات با هدف امتیازدهی یک‌طرفه نیست.

پس برداشت شما چیست؟

برداشت من این است که نگاه غالب در تهران، «مدیریت منازعه» است؛ یعنی ایجاد فضای مانور سیاسی بیشتر برای خروج از وضعیت انسداد و کاهش فشارها. این هدف برای ایران اهمیت راهبردی دارد. در عین حال، طبیعی است در هر فرایند مذاکره‌ای، بحث امتیازدهی‌های محدود نیز مطرح باشد. از سوی دیگر، حتی در اظهارات اخیر دونالد ترامپ نیز می‌بینیم او تصریح می‌کند ایران به‌دنبال توافق است و کانال‌هایی برای تماس وجود دارد. هرچند در میدان عمل، تحرکات نظامی آمریکا، مانورها و جابه‌جایی ناوگان دیده می‌شود، اما این دو لزوما متناقض نیستند.

ترامپ هم با مانور روی جنگ به دنبال انسداد در روابط ایران و کشورهای عربی است؟

نه لزوما. باید توجه داشت که ترامپ شخصیتی غیرقابل پیش‌بینی دارد و این تحرکات می‌تواند بخشی از راهبرد فشار برای تحمیل شرایط بهتر در میز مذاکره باشد، نه الزاما مقدمه جنگ...

پاسخ سؤال اولم را نگرفتم. در صورت آغاز جنگ و پاسخ تهران و حمله به پایگاه‌های آمریکا در منطقه، سطح و نوع روابط ما به سرنوشت کشورهای اروپایی منجر می‌شود؟

باز هم باید تأکید کنم ما داریم درباره جنگ حرف می‌زنیم و جنگی که ایران آغازکننده آن نخواهد بود. اما اگر به آن نقطه برسد که گفتید ما مجبور به پاسخ هستیم. البته این‌طور نیست که ایران به تبعات اقدامات خود واقف نباشد و قادر به کنترل شرایط هم نباشد. بالاخره شما باید برای دفاع کاری بکنید. جنگ است و در جنگ حلوا خیرات نمی‌کنند. نکته بسیار مهم این است که مقامات کشور باید در این برهه توجه ویژه‌ای به حفظ و تقویت روابط با کشورهای عربی جنوب خلیج فارس داشته باشند.

ولی جناب ایرانی آیا این توجیه که ایران به دنبال حمله به پایگاه‌های آمریکا در منطقه است و قصد تجاوز به خاک کشورهای عربی را هم ندارد، می‌تواند قانع‌کننده باشد؛ حداقل برای کشورهای همسایه. یعنی سناریوی عین‌الاسد و العدید این بار قابل تکرار نیست که بتوان آن را قابل توجیه دانست یا...

بله اینجاست که تأکید دارم ایران باید به‌طور شفاف به این کشورها اطمینان دهد که نه به‌دنبال جنگ است و نه قصد دارد زیرساخت‌ها یا منافع آنها را هدف قرار دهد. اولویت اصلی دیپلماسی ایران باید دور نگه‌داشتن کشور و منطقه از جنگ باشد. این پیام باید به‌وضوح منتقل شود که تا زمانی که اقدام جدی و مستقیم علیه منافع ایران صورت نگیرد، تهران نیز هیچ اقدامی علیه منافع کشورهای منطقه انجام نخواهد داد.

باز هم پاسخ سؤال را نگرفتم. با توجه به تجربه دیپلماتیک شما در منطقه، اگر خدای ناکرده شرایط به‌گونه‌ای پیش برود که ایران ناچار به واکنش نظامی شود، آیا امکان مدیریت بحران، مشابه تجربه عین‌الاسد یا العدید وجود دارد یا وارد مرحله‌ای برگشت‌ناپذیر در روابط ایران و کشورهای عربی خواهیم شد؟

پاسخ به این پرسش کاملا وابسته به نوع و سطح اقدام طرف مقابل است. اگر اقدام نظامی آمریکا محدود، تعریف‌شده و حتی با اطلاع قبلی باشد، طبیعتا پاسخ ایران نیز می‌تواند محدود، کنترل‌شده و متناسب باشد و قبل از حمله به کشورهای میزبان در منطقه اطلاع دهیم؛ مشابه آنچه در موارد پیشین رخ داد.

کارساز است؟

به هر حال در چنین سناریویی، امکان مدیریت بحران همچنان وجود دارد و خیلی بهتر از آن است که ما بدون اطلاع کشورهای منطقه به خاک کشورها حمله کنیم، حتی با بهانه حمله به پایگاه‌های آمریکا. البته اگر طرف مقابل به‌دنبال گسترش دامنه درگیری، افزایش تخریب و تعمیق جنگ باشد، آنگاه چارچوب پاسخ ایران نیز ناگزیر تغییر خواهد کرد. بنابراین تعیین‌کننده اصلی، نحوه و سطح اقدام آغازین طرف مقابل است.

در این صورت علاوه بر خدشه به مناسبات عربی، امکان شکل‌گیری جبهه واحد عربی علیه ایران هم هست؟

گفتم ما با جنگ سروکار داریم. لذا باید متناسب با شرایط وضعیت را سنجید. اما هر اتفاقی ممکن است روی دهد...

پس باید پرسید آیا به نظر شما اسرائیل عامدانه به دنبال گسترش جنگ نیست تا ایران ناچار شود واکنش‌هایی نشان دهد که روابطش با کشورهای عربی به نقطه‌ای غیرقابل مدیریت برسد؟

بله، بدون تردید همین‌طور است. اسرائیل به دنبال جنگی بی‌پایان و بدون نقطه پایان مشخص است؛ جنگی که هرچه طولانی‌تر شود و هرچه کشورهای عربی بیشتری را درگیر کند، از نگاه آنها مطلوب‌تر است. چون به قول شما هم روابط ایران و کشورهای عربی دچار بحران می‌شود و هم شاهد شکل‌گیری جبهه عربی علیه تهران خواهیم بود. البته این رویکرد با نگاه غالب در ایالات متحده، به‌ویژه در دوره ترامپ، در تعارض است. در آمریکا حتی در درون ساختار سیاست خارجی نیز اختلاف‌نظر جدی وجود دارد که جنگ با ایران چه دستاوردی خواهد داشت و هزینه‌های آن چگونه به افکار عمومی آمریکا توضیح داده می‌شود. اسرائیل اساسا به این محاسبات توجهی ندارد. هدف آنها روشن است؛ تضعیف یا از میان برداشتن جمهوری اسلامی ایران، بدون توجه به پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی. بااین‌حال، تصور من این است که آمریکا تا این مرحله پیش نخواهد رفت که مدیریت کامل معادله نظامی در منطقه را به اسرائیل واگذار کند.

پس شما هم مثل دیگر ناظران معتقدید سایه جنگ نه‌فقط بر ایران، بلکه بر کل منطقه خاورمیانه سنگینی می‌کند. اما در هفته‌های اخیر نیز شاهد تلاش برخی کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان سعودی، برای مدیریت تنش بوده‌ایم. بااین‌حال، اظهارات اخیر خالد بن‌سلمان که تأکید کرده در صورت عدم اجرای تهدیدات ترامپ علیه ایران، تهران جسورتر خواهد شد، پرسش‌هایی را ایجاد کرده است. آیا این موضع‌گیری نشانه چرخش در سیاست ریاض است؟

اولا، عربستان این موضع را تکذیب کرد و مخالفت خود با استفاده از خاک کشورش برای حمله به ایران را اعلام کرد...

بله این هست، اما چرخش عربی را محتمل می‌دانید؟

به نظر من نمی‌توان تنها براساس یک موضع‌گیری یا یک گزاره رسانه‌ای از چرخش سیاست عربستان یا کل خط عربی سخن گفت. موضع راهبردی کشورهای عربی خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، همچنان مبتنی بر جلوگیری از جنگ و مهار تنش است؛ زیرا هرگونه درگیری نظامی، مستقیما منافع اقتصادی، امنیتی و ثبات داخلی آنها را تهدید می‌کند. اولا اظهارات خالد بن‌سلمان که تکذیب شد.

اگر صحت داشته باشد چه؟

اگر صحت داشته باشد، باید آن را در چارچوب انتقال نگرانی‌ها به واشنگتن تحلیل کرد، نه همراهی با گزینه نظامی. این نوع بیان، بیش از آنکه دعوت به جنگ باشد، تلاشی برای تأثیرگذاری بر محاسبات آمریکا و نشان‌دادن حساسیت شرایط منطقه است. عربستان به‌خوبی می‌داند که جنگ، حتی اگر محدود باشد، قابل کنترل نخواهد ماند. بنابراین خط اصلی ریاض همچنان کنترل بحران، حفظ کانال‌های دیپلماتیک و جلوگیری از ورود منطقه به یک مسیر پرهزینه و غیرقابل بازگشت است. اصولا نفس تهدید، به‌ویژه زمانی که از سوی ایالات متحده و شخص دونالد ترامپ مطرح می‌شود، منطقه را در وضعیت تنش دائمی قرار می‌دهد. حتی اگر این تهدیدها به اقدام نظامی منجر نشوند، صرفِ طرح آنها برای کشورهای همسایه ایران، به‌خصوص کشورهای جنوب خلیج فارس، نگرانی‌های جدی ایجاد می‌کند. به نظر من، بحث درباره جدی‌بودن یا جدی‌نبودن وقوع جنگ باید جداگانه و با دقت بررسی شود، اما آنچه مسلم است این است که همین فضای تهدیدآمیز، نااطمینانی گسترده‌ای در منطقه ایجاد می‌کند و اولین واکنش آن، افزایش نگرانی دولت‌های عربی است. در تحلیل این وضعیت، دو فرضیه عمده وجود دارد؛ نخست اینکه این تهدیدها ابزاری برای فشار سیاسی و گرفتن حداکثر امتیاز از ایران است و دوم اینکه واقعا اراده‌ای برای ورود به درگیری نظامی وجود دارد. در هر دو حالت، دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس و در رأس آنها عربستان سعودی، پرهزینه‌ترین سناریو را محتمل می‌دانند و به همین دلیل واکنش‌هایشان بیش از آنکه نشانه تغییر جهت باشد، بازتاب‌دهنده نگرانی عمیق آنهاست. اگر بخواهیم مواضع عربستان و نقش آن را دقیق‌تر بررسی کنیم، باید هم نگاه کلان داشته باشیم و هم نگاه جزئی. در نگاه کلان، منافع همه کشورهای خلیج فارس ایجاب می‌کند منطقه از هرگونه درگیری نظامی میان ایران و آمریکا دور بماند. اولویت اصلی این کشورها، توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی و حضور فعال در اقتصاد و سیاست بین‌الملل است. تحقق این اهداف بدون امنیت پایدار ممکن نیست. از سوی دیگر، نگرانی مهم این کشورها، احتمال سرایت درگیری به جغرافیای خودشان است.

پس شما هم معترف هستید که احتمال کشیده‌شدن جنگ به خاک این کشورها نیز هست، علاوه بر ایران؟

تجربه نشان داده که جنگ، به‌ویژه در این منطقه، قابل کنترل و محدود باقی نمی‌ماند و زیرساخت‌های اقتصادی و حیاتی را در معرض خطر قرار می‌دهد. با توجه به آسیب‌پذیری بالای این کشورها، چنین سناریویی می‌تواند پروژه‌های کلان توسعه‌ای آنها را با بن‌بست جدی مواجه کند. کشورهای عربی خلیج فارس از یک سو روابط حساب‌شده‌ای با آمریکا دارند و از سوی دیگر روابط قابل قبولی با ایران. اما در صورت وقوع جنگ، هیچ تضمینی وجود ندارد که منافع آنها مصون بماند. به همین دلیل تلاش می‌کنند نگرانی‌های خود را به شریک راهبردی‌شان، یعنی ایالات متحده، منتقل کنند و هم‌زمان آمریکا را به سمت گفت‌وگو و مهار بحران سوق دهند.

خط عربستان را چگونه تحلیل می‌کنید؟ به‌خصوص مناسبات شخصی بن‌سلمان و ترامپ را چگونه می‌بینید؟ وزن کنترل تنش را دارد؟

در معادلات فعلی، عربستان سعودی نقش ویژه‌ای دارد. این کشور به واسطه روابط شخصی و سیاسی محمد بن‌سلمان با ترامپ، ظرفیت بیشتری برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌سازی در واشنگتن دارد. برخلاف تصور رایج که سیاست آمریکا را یک‌سویه و تحمیلی می‌بیند، واقعیت این است که امروز معادلات دوسویه شده است. عربستان، هم از منظر سیاسی و هم اقتصادی، بازیگری است که می‌تواند در محاسبات ترامپ اثر بگذارد. حمایت قاطع آمریکا از عربستان در پرونده‌هایی مانند یمن و سودان، قراردادهای کلان اقتصادی چنده میلیارد دلاری و جایگاه عربستان در اسناد راهبردی امنیت ملی آمریکا، همگی نشان‌دهنده این نقش است. در این اسناد، عربستان در کنار اسرائیل به‌عنوان یکی از ستون‌های حفظ امنیت و شریان‌های تجاری منطقه معرفی شده است.

با توجه به اولویت «آمریکا اول» در نگاه ترامپ، هرگونه جنگ، حتی محدود که تراز تجاری و ثبات اقتصادی آمریکا را تهدید کند، با تردیدهای جدی مواجه خواهد شد. از نگاه کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان، جنگ با ایران می‌تواند پیامدهای اقتصادی و تجاری گسترده‌ای داشته باشد که نه‌تنها منطقه، بلکه خود آمریکا را نیز متأثر می‌کند. تلاش‌های دیپلماتیک اخیر دقیقا با هدف انتقال همین نگرانی‌ها به واشنگتن انجام می‌شود.

در نهایت ترامپ خواسته اسرائیل را در جنگ با ایران کلید می‌زند یا خواسته خط عربی در عدم جنگ را؟ چون در کنار جریان عربی، وزن جریان اسرائیلی نیز وجود دارد. با توجه به مناسبات اقتصادی و حتی شخصی میان واشنگتن و برخی بازیگران منطقه، آیا امروز اولویت آمریکا امنیت اسرائیل است یا مطالبات شرکای عربی؟ اساسا آیا این دو جریان در تقابل با یکدیگر قرار دارند؟ پس از تحولات هفتم اکتبر، معادلات منطقه‌ای به‌طور جدی دستخوش تغییر شده است. نگاه سنتی که منافع عربی و اسرائیلی را الزاما در تقابل می‌دید، دیگر به‌طور کامل پاسخ‌گو نیست. رویکرد ترامپ بر ایجاد پیوند میان کشورهای عربی و اسرائیل استوار است؛ چه در حوزه اقتصاد، چه امنیت و چه فناوری. توافقات ابراهیم دقیقا در همین چارچوب تعریف می‌شوند.

در اسناد راهبردی آمریکا نیز این دو بازیگر در کنار یکدیگر دیده می‌شوند. از نظر ترامپ، تعارض ذاتی میان منافع عربی و اسرائیلی وجود ندارد و می‌توان آنها را در یک چارچوب مشترک پیش برد. در این میان، عربستان سعودی و شخص محمد بن‌سلمان می‌توانند نقشی کلیدی در پیشبرد چنین پروژه‌ای ایفا کنند. بااین‌حال، نباید نادیده گرفت که اسرائیل نگاه متفاوتی دارد. اسرائیل به دنبال جنگی است که پایانی نداشته باشد و به تحولات بنیادین در داخل ایران منجر شود. این رویکرد با نگاه آمریکا، به‌ویژه ترامپ که مایل به ورود به یک جنگ پرهزینه و طولانی نیست، تفاوت دارد. از همین‌جا می‌توان رد اختلافات راهبردی میان واشنگتن و تل‌آویو را مشاهده کرد. در مجموع، تلاش کنونی آمریکا نه تقابل میان جریان عربی و اسرائیلی، بلکه پیونددادن آنهاست؛ پیوندی که لازمه آن، پرهیز از جنگی فراگیر با ایران است. از این منظر، تحرکات اخیر بیش از آنکه به سمت درگیری سوق پیدا کند، در چارچوب مدیریت بحران و مهار تنش قابل تحلیل است.

سند کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو کامیون شیلر با رنگ سفید روغنی به نام شرکت خدمات بار هوایی سریع ترابر ماهان باشماره موتور ISF۳۸S۴۱۴۱۸۹۲۰۲۴۱۹ و شماره شاسی NAGLFA۳۰SKT۰۰۰۲۲۱ با شماره پلاک ۵۵ ایران ۱۴۱ ع ۶۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

گواهی می شود فاکتور بلوک سیلندر ، به شماره ۱۴۰۰۰۸۵۲۷۳۸ و به شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۱۱۹۶۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز سمند سورن سفید مدل ۱۴۰۴ به شماره پلاک ۱۹۱ایران ۷۱۳ و ۴۸ شماره شاسی :NAACV۱HLFSYK۷۴۳۰۷ و شماره موتور:۱۲۵K۰۴۷۶۸۵۹ به نام شهروز سلطانی با کد ملی ۱۴۶۵۹۴۲۴۴۰ در ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم
انجمن علمی مدیریت اطلاعات سلامت ایران

احتراماً از کلیه اعضای پیوسته انجمن دعوت به عمل می آید تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم انجمن که در روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ از ساعت ۱۰ الی ۱۲ به آدرس تهران، بلوار کشاورز، خیابان قدس،کوچه پاریزی، دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، طبقه دوم، سالن اجتماعات برگزار می گردد شرکت فرمایند.

دستور جلسه:
۱-تغییر آدرس انجمن
۲- اصلاح مواد مربوط در خصوص شیوه انتخابات هیات مدیره و بازرس

هیئت مدیره انجمن علمی مدیریت اطلاعات سلامت ایران

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده
شرکت آرین درمان سلامت البرز
به شماره ثبت ۱۴۰۱۴۹۱۷۸۳۲ و به شناسه ملی ۵۰۱۰۱

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت آرین درمان سلامت دعوت به عمل می آید تا در مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ در ساعت ۱۰:۰۰ صبح در محل رسمی شرکت جهت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده حضور بهم رسانند.

دستور جلسه : اصلاح موادی از اساسنامه

هیئت مدیره

آگهی فقدان مدرک تحصیلی:
مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب میثم افشاری** فرزند اسمعلی به شماره شناسنامه ۱۰۸۲ صادره از زری در مقطع کارشناسی رشته مهندسی تکنولوژی کامپیوتر نرم افزار صادره از واحد دانشگاهی پرند با شماره ۱۳۹۰۲۹۳۰۰۴۷۰ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند به نشانی پرند، فاز صفر، بلوار باهنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند ارسال نماید.

شناسنامه مالکیت وسند کمپانی **خودروپارس** به رنگ سفید به شماره شهربانی ۵۵ب۷۱۸ ایران ۴۰ به مالکیت **خانم عاطفه زراست وند** به شماره موتور ۰۱۵۸۹۹۸ وشماره شاسی ۴۱۱۷۲۹ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد

سند کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو کامیون ایسوز با رنگ سفید روغنی به نام شرکت خدمات بار هوایی سریع ترابر ماهان باشماره موتور ۶۸۲۶۵۷ و شماره شاسی NAGNLR۷۵TJT۰۰۳۷۲۴ با شماره پلاک ۶۶ ایران ۹۹۹ ع ۳۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

سند کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت خودرو کامیون ایسوز با رنگ سفید روغنی به نام شرکت خدمات بار هوایی سریع ترابر ماهان باشماره موتور ۶۷۳۷۵۲ و شماره شاسی NAGNLR۷۵TJT۰۰۳۷۰۱ با شماره پلاک ۵۵ ایران ۹۴۴ ع ۴۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشند.